

مقایسه شیوه‌های تأثیرپذیری از آیات و احادیث در اشعار فارسی با تأکید بر عطار نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی

رحیم صالحی^۱

دکتر مسعود پاکدل^{۲*}

دکتر منصوره تدینی^۳

دکتر سیما منصوری^۴

چکیده

عطار نیشابوری شاعر قرن ششم و هفتم هجری و ناصر خسرو قبادیانی فیلسوف و شاعر قرن پنجم هجری در آثار خود وام‌دار قرآن کریم و احادیث بوده‌اند. این تأثیرپذیری از قرآن کریم را به دو شکل ساختاری (فرمی) و محتوایی می‌توان در آثار آنها جست‌وجو کرد. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، شیوه‌ها و الگوهای تأثیرپذیری ساختاری و محتوایی عطار نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی از قرآن کریم تبیین شده و اهداف این تأثیرپذیری مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد وام‌گیری، برآیندسازی، ترجمه و تلمیح از الگوهای تأثیرپذیری

1. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

Email: rsalehi1356@gmail.com

2. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران. (نویسنده

مسئول)

Email: masoudpakdel@yahoo.com

3. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

Email: msh_tadayoni@yahoo.com

4. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

Email: simamansoori90@yahoo.com

تاریخ پذیرش: 1403/03/16

تاریخ ارسال: 1403/03/09

ساختاری در آثار عطار نیشابوری بوده است. یکی از اشکال مهم اثرپذیری ادبی عطار نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی از قرآن، اثرپذیری تلمیحی است و تلمیح، آن است که ذهن شاعر و نویسنده، تنها تأثیری از آیه قرآنی یا حدیث نبوی پذیرفته باشد، نه اینکه آیات یا احادیث را عیناً از عربی به فارسی در آورده باشد. در اشعار ناصر خسرو قبادیانی علاوه بر تلمیحات قرآنی، تلمیحات سامی – عربی و یونانی نیز یافت می‌شود. عطار نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی با تأثیرپذیری از قرآن اهدافی مانند «هشدار و انذار، تشویق و تهیج»، «استشهاد از طریق مقایسه با بیان تفصیل»، «تفسیر خاص» و «بیان اعتقادات» را دنبال کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: عطار نیشابوری، ناصر خسرو قبادیانی، اثرپذیری، آیات قرآن، احادیث.

مقدمه

قرآن به عنوان معجزه جاویدان و افق تمام‌نمای هدایت بشری و دارای ساختاری درست بدون هرگونه خطا با استفاده از قصه‌ها و اعجاز بیانی همواره والاترین الگو در تأثیرگذاری بوده و از دیرباز مورد توجه اهل خرد بوده است. تأثیرپذیری و بهره بردن شاعران ادب پارسی از قصه‌های قرآن موجب ماندگاری آثار ادبی آنان گردیده است. در حقیقت این الگوی کلامی ابزار مهمی برای انتقال تجربه-های گوناگون تمدن‌ها و ملت‌ها از عصری به عصری دیگر بوده است. سرشت انسان همواره گرایش به گفتار گزینشی دارد و بهترین مطالبی را که دارای احساس و عواطف بوده و با فرم کلام و ذهن او سازگار بوده، برمی‌گزیند و معنای لغوی قصه نیز همین است که باعث شده است دایره مخاطبان آن وسیع‌تر و نفوذش بیشتر باشد. عطار نیشابوری و ناصرخسرو قبادیانی از جمله شاعران پارسی‌گویی هستند که به شکل‌های مختلفی از آیات قرآن کریم متأثر بوده‌اند. این تأثیرپذیری در دو حوزه محتوایی و فرمی قرار می‌گیرد. در این پژوهش مهم‌ترین مؤلفه‌های محتوایی و ابزارهای فرمی که این دو شاعر از قرآن کریم وام گرفته‌اند، تبیین شده و اهداف آنان از این تأثیرپذیری مورد بررسی قرار گرفته است.

بیان مسأله

در این پژوهش تلاش شده است با مراجعه به تفسیرهای قرآن و بررسی ساختاری و محتوایی قصه‌ها، میزان تأثیرپذیری عطار نیشابوری و ناصرخسرو قبادیانی در آثار منظوم تبیین گردد. اهمیت و ضرورت این پژوهش در حوزه ادبیات فارسی عبارت است از: کمک به توسعه جایگاه قصه به عنوان ابزار و شاخص مهم در تربیت، ارائه اصول حاکم بر ساختار و محتوا به عنوان دریچه‌ای نو در پرداخت قصه‌ها و انعکاس تأثیرپذیری آثار منظوم عطار و ناصرخسرو قبادیانی و پیوندی هدفمند با آموزه‌های قرآن. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات و مبانی نظری، تدوین فرضیه‌ها و ارائه الگوی اولیه موضوع از روش توصیفی - تحلیلی استفاده خواهد شد. روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای (مطالعه کتاب‌ها، مقالات، مجلات، طرح‌های پژوهشی و بانک‌های اطلاعاتی اینترنتی) است. پس از این گردآوری، اطلاعات با رویکرد مقایسه‌ای و تحلیلی بررسی شده و پس از تدوین،

نگارش یافته‌اند.

پیشینه پژوهش

مطالعات و تحقیقاتی در رابطه با این موضوع صورت گرفته است. از مرتبط‌ترین منابع به موضوع حاضر می‌توان به مقاله آرش امرایی و علی بازوند اشاره کرد که در سال 1399 تحت عنوان «شیوه‌های ادبی ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن» در فصلنامه پژوهشی میان‌رشته‌ای قرآن کریم منتشر شده است. نویسندگان در این مقاله به شیوه‌های انعکاس آیات قرآن و احادیث در اشعار ناصر خسرو پرداخته‌اند.

همچنین رستنده (1398)، در پژوهش رساله دکتری خود به بررسی ساختار و محتوای تأویل‌های آیات و احادیث در آثار عطار نیشابوری پرداخته است. نگارنده پس از بررسی ساختاری و محتوایی چنین نتیجه گرفته است که: عطار که با زبانی بسیار ساده و روان و گاهی با «زبان اشارت» اقدام به تأویل کرده است، تأویل‌های خود را از نظر ساختار زبانی در سه گونه واژه‌محور (واژگانی)، جمله‌محور (اندام‌وار) و خوشه‌ای عرضه نموده و با بهره‌گیری از عنصرهای بدیعی و بیانی به شماری از تأویل‌های خویش صبغه بلاغی بخشیده است. از حیث محتوا هم برابر مشرب عرفانی خود تأویل‌هایی بدیع و در مواردی ساختارشکن فراوی خواننده قرار داده و گاهی هم میان نمادهای اساطیری و عرفانی پیوند برقرار کرده است.

پرسش‌های پژوهش

1- شیوه‌های تأثیرپذیری از آیات و احادیث در اشعار عطار نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی کدامند؟

2- عمده مضامین قرآنی منعکس شده در اشعار عطار نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی کدامند؟

روش پژوهش

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات و مبانی نظری، تدوین فرضیه‌ها و ارائه الگوی اولیه موضوع از روش توصیفی - تحلیلی استفاده خواهد شد. روش گردآوری داده‌ها به صورت

کتابخانه‌ای (مطالعه کتاب‌ها، مقالات، مجلات، طرح‌های پژوهشی و بانک‌های اطلاعاتی اینترنتی) است. پس از این گردآوری، اطلاعات با رویکرد مقایسه‌ای و تحلیلی بررسی شده و پس از تدوین، نگارش یافته‌اند.

انواع اثرپذیری آثار ادبی از قرآن

اگر بخواهیم انواع استفاده‌هایی را که گویندگان و نویسندگان مسلمان - و به‌ویژه ایرانی - از قرآن مجید و احادیث معصومان کرده‌اند ذکر کنیم، باید یک دوره بدیع و معانی و بیان تألیف کنیم؛ زیرا که تقریباً هیچ-یک از مباحث معانی و بیان و صنایع لفظی و معنوی بدیع را نمی‌توان یاد کرد که علمای ادب تازی و پارسی برای آن مبحث مثالی از قرآن مجید و حدیث رسول اکرم و سخنان امامان معصوم ذکر نکرده باشند. بر همین اساس، شاعران پارسی‌گوی نیز از صناعات ادبی موجود در قرآن و حدیث الهام‌ها گرفته و بهره‌ها جسته‌اند. در کتب معروف فن بدیع و معانی و بیان، برای بیان صناعات ادبی از قبیل استعاره، مجاز، ایجاز، تجاهل العارف، سلب و ایجاب، استطراد، تعطف، مماثله، اشاره، تلمیح، اقتباس، تجنیس، مطابقه، ارسال المثلین، ایهام و بسیاری دیگر از آیات قرآن مجید مثال آورده‌اند. شاعران و نویسندگان پارسی نیز از این صناعات در سرودن اشعار و نوشتن کتاب‌های خود استفاده کرده‌اند و بالچاپ از صناعات موجود در قرآن و حدیث نیز در این باب الهام گرفته‌اند. اما کاربرد صناعات ویژه‌ای چون ارسال المثل، ارسال المثلین، اشاره، تلمیح، اقتباس، تمثیل و حل از بقیه نمایان‌تر است. اینکه به بررسی شیوه‌های گوناگون این بهره‌گیری‌ها پرداخته می‌شود.

اثرپذیری واژگانی

یعنی آوردن واژه‌ها و ترکیب‌هایی در شعر و نثر که ریشه قرآنی و روایی دارد. «تأثیر قرآن و حدیث در شعر فارسی، نخست در حد بهره‌گیری واژگانی به‌ویژه اصطلاحاتی مثل تسبیح، شب قدر، سجده و اصطلاحات حکومتی مثل امیر، حاکم و برخی شخصیت‌ها مثل پیامبران و معاریف عربی و اسلام بود. هرچند برخی ملمعات نیز به شاعران این دوره منسوب است که در صورت صحت انتساب گویای توانایی و تسلط آنان بر ادب و زبان عربی است.» (یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۰۷) این شیوه، خود شامل سه بخش

«وام‌گیری»، «ترجمه» و «برآیندسازی» است.

الف) وام‌گیری: «در این شیوه یک واژه قرآنی یا روایی با مدلول مشخص و ساختار عربی، بدون دگرگونی یا اندک تغییر لفظی یا معنوی در ضمن کلام می‌آید.» (راستگو، ۱۳۹۹: ۱۶)

ب) ترجمه: برگردان فارسی تعبیرات کوتاه از آیات و روایات که در ضمن بیت می‌آید. مانند ذکر ترجمه واژه قرآنی «لَیْلَةُ الْقَدَرِ» از آیه اول سورة قدر در بیت زیر:

شب قدر است و طی شد نامه هجر سلام هی حتی مطلع الفجر
(حافظ، ۱۴۰۰: ۸۱)

همچنین خاقانی، تعبیر نبوی: «إِن مِّنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا» را به صورت زیر ترجمه می‌کند:
مصطفی گوید که «سحر است از بیان» من ساحرم

کاندرا اعجاز سخن سحر از بیان آورده‌ام
(خاقانی، ۱۳۹۶: ۱۲۴)

ج) برآیندسازی: «برآیندسازی، تعبیری است که بر پایه و مبنای مضمون آیه یا حدیثی به زبان فارسی ساخته شده است.» (راستگو، ۱۳۹۹: ۱۸)

اثرپذیری تلمیحی

تلمیح در لغت به معنی «سبک نگریستن» و «به گوشه چشم اشاره کردن» است. جرجانی در تعریفات می‌گوید: تلمیح عبارت است از اشاره به آیه، حدیث، قصه یا شعری در لابه‌لای سخن، بدون آنکه صریحاً متذکر شود و در فن بدیع عبارت از این است که نویسنده یا شاعر برای اثبات سخن خود به آیه‌ای، حدیثی (یا قصه‌ای یا مثلی یا شعری) مشهور و معروف اشاره کند و یا اینکه از اصطلاحات علوم استفاده کند، بی‌آنکه صریحاً متذکر استفاده خود باشد.

مانند بیت زیر از دیوان لسان الغیب که تلمیح است به آیه ۶۹ سورة انبیا در اشاره به داستان نمرود و ابراهیم (ع): «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيمَ».

یارب این آتش که در جان من است سرد کن زآن سان که کردی بر خلیل

(حافظ، 1400: 192)

بهترین تلمیح، آن است که ذهن شاعر و نویسنده، تنها تأثیری از آیه قرآنی یا حدیث نبوی پذیرفته باشد، نه اینکه آیات یا احادیث را عیناً از عربی به فارسی در آورده باشد. مانند بیت زیر در تلمیح به آیات ۹۴ و ۹۵ سوره یوسف:

« وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَّا أَنْ تُفَنِّدُونِ. قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ » که عیناً به پارسی در آمده است:

بوی پیراهن گم گشته خود می شنوم گر بگویم همه گویند ضلالی است قدیم
(سعدی، 1400: 91)

تلمیحات ایرانی در قصاید بیشتر دیده می‌شود، تا انواع دیگر شعر. در غزل بیشتر از تلمیحات اسلامی استفاده می‌شود، اگرچه غزل به جهت غنایی بودن آن مناسب‌ترین زمینه برای تلمیحات غنایی چه اسلامی و چه ایرانی است. البته در قالب قطعه نیز تلمیحات دیده می‌شود؛ اما تلمیح در رباعی و ترانه بسیار کم است.

اثرپذیری گزراه‌ای

در اثرپذیری گزراه‌ای شاعر یک آیه یا روایت کوتاه را به‌طور کامل در بیت یا مصراعی از یک بیت اقتباس یا درج و نقل می‌کند.

تضمین

تضمین در لغت به معنی «در پناه آوردن»، «گنجانیدن» و «چیزی را در میان نهادن» است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه) است. در اصطلاح علم بدیع عبارت است از آوردن گزراه‌ای قرآنی یا روایی یا گنجاندن یک مصراع، یک بیت یا دو بیت از شعر شاعران پیشین یا معاصر در سروده خود با همان ساختار بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف و تغییر مگر به ضرورت شعری.

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم

(نظامی، 1399: 51)

چشم حافظ زیر بام قصر آن نیکوسرشت شیوه «جنات تجری تحتها الأنهار» داشت

(حافظ، 1400: 73)

در صورتی که آن سروده مشهور نباشد، نام سراینده را در سخن خود ذکر می‌کنند و اگر شاعری، پاره‌ای از اشعار خود را در شعر تازه‌اش بیاورد، آن نیز «تضمین» است؛ اما بهتر است که از شعر دیگران باشد.

تأثیرپذیری محتوایی

در این نوع از تأثیرپذیری، فرم و شکل خاصی از قرآن و احادیث در اثر ادبی منعکس نشده، بلکه محتوای آیات قرآن و یا احادیث به شکلی در آثار ادبی جای گرفته‌اند.

اثرپذیری در اشعار عطار نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی

پیشتر چنین گفته شد که وام‌گیری، برآیندسازی، ترجمه و تلمیح از الگوهای تأثیرپذیری ساختاری در آثار عطار نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی بوده است. البته ناصر خسرو علاوه بر تلمیحات قرآنی بیشتر در تلمیحات سامی - عربی شهره بوده است. این نوع از تلمیح به ذکر رجال دوره جاهلی اقوام سامی و عرب می‌پردازد؛ مانند ذکر نام دانیال نبی در بیت زیر:

دانیال از خیرها شد نامور نامور نامد به مآدر دانیال

(ناصر خسرو قبادیانی، بیتا: 71)

تلمیحات یونانی نیز در آثار ناصر خسرو یافت می‌شود. این تلمیحات بیشتر به ذکر اساطیر یونانی، غربی و رجال علمی و فلسفی بزرگی مانند: هرمس، بلیناس، افلاطون، هرقل و... می‌پردازد.

ننگرد اندر سخن هرمسی هر که ببیند سخن ناصری

(همان: 122)

عاقل داند که او چه گفت ولیکن رهبان گمراه گشت و هرقل جاهل

(همان: 141)

این در حالی است که تلمیحات قرآنی در آثار عطار به فراوانی دیده می‌شود. یکی از محورهای مهم شیوه بلاغی عطار نیشابوری تلمیح است و چنین محوری موجب شده است تا بیان وی شکل تشبیهی - تلمیحی به خود بگیرد. عطار با بهره‌گیری از این عناصر بیانی توانسته است تا احساسات و مکاشفات عارفانه و عاشقانه را به درستی به تصویر بکشد. تشبیهات و استعاره‌های تلمیحی در آثار عطار به دو شکل مرسل و اضافی در بستر دین و آیات و قصه‌های قرآنی، قصه‌های دینی که اشاراتی به تعبیرات قرآنی در آن نیست، احادیث، مثل‌ها، داستان‌های عرفانی که عارفان در آثار خود به آن اشاره داشته‌اند، تناسب لفظی که در آن اشاره به داستان یا حدیث خاصی نیست، بلکه تلمیح آن از جهت شباهت لفظی میان دو واژه است. در ادامه به چندین اثرپذیری تلمیحی در آثار عطار اشاره می‌شود:

باز داود زره‌گر را نگر موم کرده آهن از تف جگر
باز بنگر کز سلیمان خدیو ملک وی بر باد چون بگرفت دیو

(عطار، 1392: 61)

در اینجا عطار نیشابوری، برای تبیین منظور خود لازم است تا به داستانی قرآنی اشاره کند. فردی که راه عرفان را می‌پیماید لازم است برای رسیدن به تجربه عرفانی به مقابله با نفس خویش پردازد. این کار، امری دشوار به نظر می‌رسد؛ بنابراین عطار آن را همچون یک زره و آهن سخت و محکم قلمداد کرده و با تلمیح به معجزه حضرت داوود (ع) به مخاطب اشعار خود پیشنهاد می‌کند تا نفس آهنین را در وجود خود نرم کند و بر آن مسلط گردد.
در جای دیگر:

سوی اسماعیل شد جانیش داد کشته بود از عشق قربانیش دا

(عطار، 1399: 49)

سالکی که نفسش را در وجود خود قربانی کرده است و به وصال عشق خود رسیده و حالت زودگذر و انفعال را در تجربه عرفانی دارد، مانند حضرت ابراهیم (ع) است که اسماعیل خود را با

وجود میل فراوان به داشتش به قربانگاه می‌برد.

عطار، در منطق‌الطیر چنین سروده است:

چوب اندر دست، استاده به پای	ناگهی باشد که آن صاحب‌سرای
جمله ناپیدا کند در یک نفس	خانه آن عنکبوت و آن مگس
چون مگس در خانه آن عنکبوت	هست دنیا، وانک دروی ساخت قوت
گم شود تا چشم بر هم آیدت	گر همه دنیا مسلم آیدت

(عطار، 1392: 41)

عمل پرهیز از دنیا، برای سالک، مقدمه‌ای دیگر برای رسیدن به تجربه عرفانی است. عطار در تصویرسازی‌هایش جهان هستی را به خانه عنکبوت تشبیه کرده است. در این تشبیه آن را که دلبسته دنیاست به مگسی تشبیه کرده که شکار عنکبوت شده است. در اینجا به آیه 41 سوره عنکبوت تلمیح دارد: *مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعُنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بُيُوتًا وَإِنْ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبِثُ الْعُنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ*: مثل حال آنان که خدا را فراموش کرده و غیر خدا را به دوستی و سرپرستی برگرفتند (در سستی و بی‌بنیادی) حکایت خانه‌ای است که عنکبوت بنیاد کند و اگر بدانند سست‌ترین بنا خانه عنکبوت است.

نحوه کاربرد آیه‌ها و استفاده از روایت‌ها و اشارت‌ها در آثار عطار نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی بسته به نوع هدف تفاوت می‌کند. گاه هدف شاعر بیان اعتقادات است. این هدف بیشتر در ادب تبلیغی و حکمی مصداق دارد که غرض گوینده و نویسنده از بیان مطلب، بازگفت اصول اعتقادی یا تبلیغ احکام شرعی است؛ نمونه این کاربرد را در اشعار ناصر خسرو و مجالس و مواعظ به‌جای‌مانده، می‌توان یافت. مانند:

خداوندی که در وحدت قدیم است از همه اشیا	و نه اندر وحدتش کثرت، نه محدث زین همه، تنها
چه گویی از چه او عالم پدید آورد از لؤلؤ	که نه مادت بد و صورت، نه بالا بود و نه پنهان ...
اگر هیچیز را چیزی نهی قایم به ذات خود	پس آمد نفس وحدت را مضاد و مثل در آلا

وگر زین صورت هیچیز حرف و صوت می‌خواهی مسلم شد که بی معلول نبود علت اسما
تقدم هست یزدان را چو بر اعداد وحدان را زمان حاصل مکان باطل حدث لازم قدم برجا
مکن هرگر بد و فعلی اضافت، گر خرد داری به‌جز ابداع یک مبسّدع کلمح العین او اذنا

(ناصر خسرو، 1370: ۲-۱)

امر و نهی و جنبه‌های ارشادی که با صراحت به بایدها و نبایدها می‌پردازد نیز در این شمار است:
دیر بماندم در این سرای کهن من تا کهنم کرد صحبت دی و بهمن...
ای به شبان خفته ظن میر که یاسود گر تویاسودی این زمانه ز گشتن
خویشن خویش را رونده گمان بر هیچ نشسته نه نیز خفته میر ظن
گشتن چرخ و زمانه جاوران را جمله کشنده است روز و شب سوی گشتن
ای بخرد با جهان مکن ستد و داد کو بستاند ز تو کلند به سوزن...
گر تو نخواهی که زیر پای بسایلت دست نباید با زمانه پسودن ...
نوشده‌ای، نوشده کهن شود آخر گرچه به جان کوه قارنی به تن آهن

(همان: ۱۶۸)

همچنین ذکر آیه، حدیث یا مضمون آنها به صورت توصیفی و به عنوان خبر مطلق یا آگاهی ساده:

چون من سخن به شاهین برسنجم آفاق و انفس اند موازیم
نپسندم ار بگردد و بگراید بر ذره ای زبان شاهینم ...
نزدیک عاقلان غسل النحلّم وندر گلوی جاهل غسلیّم
از من چو خرز شیر مرم چندین ساکن سخن شنو که نه سنگینم

(همان: ۱۳۶)

نیز:

بار گران ینمت، به توبه و طاعت بار بیفگن، امل دراز میفگن
کرده ست ایزد زلیفت به قرآن در عذر یفتاد از آنکه کرد زلیفن

جمله رفیقانت رفته‌اند و تو نادان	پست نشسته ستی و کنار پر ارزن
گویی بهمان زمن مهست و نمرده ست	آب همی کویی ای رفیق به هاون ...
راست نیاید قیاس خلق در این باب	زخم فلک را نه مغفرست و نه جوشن
علم اجلها به هیچ خلق نداده است	ایزد دانای دادگستر ذوالمن
خلق همه یکسره نهال خدایند	هیچ نه بر کن تو زین نهال و نه بشکن

(همان:

169-170)

عطار نیشابوری نیز، گاه برای بیان اعتقادات خود، بازگفت اصول اعتقادی یا تبلیغ احکام شرعی، از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است. نگاه خاص و ویژه به درس‌های عرفانی و انتقال آن به مخاطبان، از ویژگی‌های سبک عطار است. به‌عنوان مثال می‌توان به پرهیز نمودن از تعلقات خاطر به مال و جاه دنیا، به‌عنوان مصداقی از این آموزه‌ها اشاره کرد:

جهانی پُر ز شاخ تند دیدم	بدستم داسکی بس کند دیدم
بدان داسک نیارستم درودن	ندیدم چاره جز خاموش بودن
تو گر از جاه دنیا شادمانی	ز جاه آخرت محروم مانی
چو گرد تو برآید مال و جاهت	شود مال تو مار و جاه چاهت
دل تو چیست موسی، نفس فرعون	چو طشتی آتشین دنیا بصد لون
اگر جبریل فرماید بود خوش	ز موسی دست آوردن به آتش
ولی گوینده گر فرعون باشد	عذاب آتش صد لون باشد
که گر در طاعتی کردی گناهی	بود هر عضو تو بر تو گواهی
نه کفر آنجا و نه ایمانت باشد	کز اینجا آنچه بُردی آنت باشد
همان دروی که اینجا کشته باشی	همان پوشی که اینجا رشته باشی
ترا آنجا زیان و سود با تو	همان باشد که اینجا بود با تو
نیایی شادی ای درویش آنجا	مگر شادی بری با خویش آنجا

اگر در زهر و گر در نوش میری تو هم بار خود اندر دوش گیری
چو یک یک ذره عالم حجابست ترا گر ذره باشد حسابست
قدم بر جای سرگردان چو پرگار گران جانی مکن بگذر سبکبار

(عطار، 1387: 269)

اصل مبارزه میان موسی (ع) و فرعون در قرآن کریم ذکر شده است؛ اما به بسیاری از جزئیات آن، از جمله به موضوعی که عطار به آن پرداخته، اشاره‌ای نشده است. عطار با استفاده از رویداد تاریخی یادشده، به تربیت معنوی مخاطبان خود مبادرت می‌ورزد. در الهی‌نامه برابر نقطه‌به‌نقطه این رویداد، نمونه‌هایی از وجود انسان قرار می‌دهد تا شاهد تأویلی نمادین باشیم: موسی: دل، فرعون: نفس، طشت آتش: دنیا. از آنجا که در قرآن کریم، فرعون مظهر گردنکشی و ستم و تبهکاری در زمین معرفی شده است، عارفان همواره نفس اماره و سرکش انسان را که پیوسته امر به بدی می‌کند، به فرعون تشبیه کرده‌اند. آیات مرتبط با این موضوع در قرآن زیاد است. به عنوان مثال می‌توان به آیه 4 سوره قصص اشاره کرد: *إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَهُ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ ۚ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ*: همانا فرعون در زمین (مصر) تکبر و گردنکشی آغاز کرد و میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند، طایفه‌ای از آنها (بنی اسرائیل) را سخت ضعیف و ذلیل می‌کرد، پسرانشان را می‌کشت (که مبادا به ظهور موسی قدرت یابند) و زنانشان را زنده می‌گذاشت (که به خدمت پردازند). همانا فرعون مردی بسیار مفسد و بداندیش بود.

عطار که شاگرد مکتب متعالی قرآن است با بهره‌گیری از آیات وحی در بیت‌های یادشده، با بیانی تمثیلی به تحلیل محتوای تمثیل می‌پردازد و مخاطبان خویش را به مبارزه با نفس و دنیاپرستی فرامی‌خواند. در مقاله شانزدهم مصیبت‌نامه هم پس از آنکه سالک فکرت از دیدار با آب برمی‌گردد و گزارش خود را ارائه می‌کند، پیر می‌گوید:

هر که او در پاکی این ره بود جانش از پاکی حق آگه بو
تو ز نفس سگ پلید افتاده در نجاست ناپدید افتاده
نیست یک ساعت چو فرعونت شکست گر نداری مصر فرعونیت هست

تو به فرعونی چو مصر جامعی	یار فرعونی که هامان طالعی
عبد بطن و فرجیای مردار خوار	جیفه اللیلی و بطلال النهار
آن سگ دوزخ که تو بشنوده	در تو خفتست و تو خوش آسوده
این سگ دوزخ که آتش می‌خورد	هرچه او را می‌دهی خوش می‌خورد
باش تا فردا سگ نفس و منیت	سر ز دوزخ برکند در دشمنیت
دشمن تست این سگ و از سگ بتر	چند سگ را پروری ای بیخبر
نفس را قوت از پی دل ده مدام	تا نگردد قوت تو بر تو حرام
قوت کی باشد حرامی گر خوری	همچو مردان خور طعمای گر خوری

(عطار، 1399: 178)

برابرگذاری نمادهای این تأویل: فرعون: نفس، مصر جامع: وجود انسان، هامان: دستیار نفس (بختی صاحب‌اختیار که با نفس همراهی می‌کند)، سگ دوزخ: نفس فرمانروا. در این بیت‌ها از نظر اینکه نفس فرمانروا (اماره) چون فرعون بر کشور وجود آدمی حکومت می‌کند، شاهد تأویلی مصداقی هستیم که نمونه‌های آن گذشت؛ اما نکته تأویلی جدید در این سروده، مربوط می‌شود به «سگ دوزخ» که در منابع روایی شیعه و سنی، هرچند با تفاوت زیاد، از آن به عنوان «کلاب‌النار» یاد شده است.

عطار نیشابوری نیز، گاه با بیان خویش، به ارائه تفسیر می‌پردازد. به عنوان نمونه در غزل زیر، که از

بهترین غزل‌های عطار به شمار می‌رود:

ما ز خرابات عشق مست الست آمدیم	نام بلی چون بریم چون همه مست آمدیم
پیش ز ما جان ما خورد شراب الست	ما همه زان یک شراب مست الست آمدیم
خاک بد آدم که دوست جرعه بدان خاک ریخت	ما همه زان جرعه دوست به دست آمدیم
ساقی جام الست چون و سقیم بگفت	ما ز پی نیستی عاشق هست آمدی
دوست چهل بامداد در گل ما داشت دست	تا چو گل از دست دوست دست به دست آمدیم
شست درافکند یار بر سر دریای عشق	تا ز پی چل صباح جمله به شست آمدیم
خیز و دلا مست شو از می قدسی از آنک	ما نه بدین تیره جای بهر نشست آمدیم

دوست چو جبار بود هیچ شکستی نداشت گفت شکست آورید ما به شکست آمدم
گوهر عطار یافت قدر و بلندی ز عشق گرچه ز تأثیر جسم جوهر پست آمدم

(عطار، 1386: 258)

خداوند در آیه 172 سوره اعراف می‌فرماید: وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ: و به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی، ما گواهی دهیم. (برخی مفسرین گفتند: مراد ظهور ارواح فرزندان آدم است در نشأه ذرّ و عالم روح و گواهی آنها به نور تجرد و شهود به توحید خدا و ربانیت او در عوالم ملک و ملکوت.) (و ما این گواهی گرفتیم) که دیگر در روز قیامت نگوئید: ما از این واقعه غافل بودیم. عطار نیشابوری مانند دیگر سالکان و عارفان سرمست از عشق خداوند، دارای نگاه و تفسیری متفاوت و در عین حال عاشقانه به آیه 172 سوره اعراف است. تفسیر او چنین است که وی قبل از هبوط به این جهان، در عالم ذرّ، ندای دلنشین الهی «الست برّکم» را به گوش جان شنیده و از چنین ندایی بسیار سرمست گشته است و شور و احوالات فعلی خودش را مدیون همین ندای دلنشین تلقی می‌کند. تفسیر او در مورد اینکه به ظاهر می‌بینیم، انسان به این پرسش پاسخ نداده، به سبب مستی او از شراب «الست برّکم» است.

گاه هدف شاعر از تأثیرپذیری استشهاد از طریق مقایسه با بیان تفضیل است. در ادب ستایشی استشهادها غالباً از نوع مقایسه‌ای است و حتی گاه جنبه تفضیلی دارد؛ چنان‌که:

خویشتن را ز اهل بیت مصطفی گردان به دین
دل مکن مشغول اگر با دینی از بی گیسوی
قصه سلمان شنوده ستی و قول مصطفی
کو از اهل البیت چون شد با زبان پهلوی
گر بیاموزی به گردون بر، رسانی فرق خویش

گرچه با بند گران و اندر این تاری گوی

(ناصرخسرو، 1370: 346)

در اینجا استشهد همراه با اشاره و مقایسه، تشویق و تهییج هم موردنظر است. در این نوع گاه گوینده مخاطب را با تأکید، به دانستن و آگاه شدن کامل تشویق می‌کند و استشهد نیز موردنظر است: ای که ندانی توهمی قدر شب... سورة واللیل بخوان از کتاب قدر شب اندر شب قدرست و بس برخوان آن سوره و معنی بیاب

(همان: ۱۴۱)

عطار نیز، از این انگیزه برای تأثیرپذیری از آیات قرآن، بهره جسته است:

چون خلیل آن کس که از نمرود درست	خوش تواند کرد بر آتش نشست
سر بزن نمرود را همچون قلم	چون خلیل اله در آتش نه قدم
چون شدی از وحشت نمرود پاک	حله پوش، از آتشین طوقت چه باک
خه خه ای کبک خرامان در خرام	خوش خوشی از کوه عرفان در خرام
قهقهه در شیوه این راه زن	حلقه بر سندان دار الله زن
کوه خود در هم گداز از فاقه‌ای	تا برون آید ز کوهت ناقه‌ای

(عطار، 1392، منطق‌الطیر: 48)

در این ابیات از منطق‌الطیر عطار، آرایه‌های تشبیه و استعاره تلمیحی، هر دو به کار رفته‌اند. سالک راه حق که قصد دارد تا به مرتبه حق‌الیقین برسد بایستی مراتب علم‌الیقین و همچنین عین‌الیقین را پشت سر بگذارد. وی در ابتدای راهش بایستی نمرود نفسش را از بین برده و به واسطه ایمانش به حق همچون ابراهیم (ع) به راه خطرناک یقین گام گذارد تا به انتهای تجارب عرفانی و فنای در حق نائل گردد.

همچنین مواردی هست که جنبه توصیفی آن بر دیگر جنبه‌ها برتری دارد. در این موارد البته انذار و هشدار یا تشویق و تهییج مخاطب، انگیزه اصلی نویسنده یا گوینده در هدف تبلیغی است؛ اما جنبه‌های توصیفی به‌ویژه اگر فصیح و بلیغ باشد، هدف اصلی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد از این جهت ناچار

اشاره صریح به هدف لازم است. به‌عنوان نمونه در شعر زیر از ناصر خسرو:

وعدۀ کردست بدان شهر غریبت بسی	جاه و نعمت که چنان خلق ندیده ست به خواب
آن شرابی که ز کافور مزاج است در او	مهر مشک است بر آن پاک و گوارنده شراب
وز زنانی که کسی دست برایشان ننهاد	همه دوشیزه و همزاد و نکوصورت و شاب
تو همی گویی کاین وعده درستست و لیک	نیست کردار تو اندر خور این خوب جواب
وعده را طاعت باید چو مقری توبه وعد	سرت از طاعت بر حکم نکو وعده متاب

(ناصر خسرو، 1370: ۱۸۷)

نتیجه

قرآن کریم به‌عنوان یک الگوی کلامی، سرمشق مهمی به‌منظور انتقال تجربه‌های گوناگون تمدن‌ها و ملت‌ها از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر بوده است. از آنجاکه انسان به گفتار گزیده و ارزشمند گرایش دارد و برترین محتوایی را که دارای احساسات درست و عواطف بوده و با فرم کلام و ذهن او سازگار باشد برمی‌گزیند، قرآن بسیار مورد استقبال قرار گرفته و انسان‌های زیادی در طول تاریخ با قرآن مأنوس شده‌اند. معنای لغوی قصه نیز همین، ارزش‌هاست که باعث شده دایره مخاطبان قرآن وسیع‌تر و نفوذش بیشتر باشد. تأثیرپذیری و بهره‌بردن شاعران ادب پارسی از قصه‌های قرآن، نشان از دانش و شناخت صحیح و موجب ماندگاری آثار ادبی آنان گردیده است. بی‌شک، هیچ‌کدام از مباحث معانی، بیان و بدیع در ادب فارسی را نمی‌توان پیدا کرد که فاقد مثالی از قرآن مجید، احادیث نبوی و یا کلام وحی آسای امامان معصوم (ع) و یا اشارات آنها باشد. بر همین اساس، شاعران پارسی‌گوی نیز از صناعات ادبی موجود در قرآن و حدیث الهام‌ها گرفته و بهره‌ها جسته‌اند. در کتب معروف فن بدیع و معانی و بیان، برای بیان صناعات ادبی از قبیل استعاره، مجاز، ایجاز، تجاهل العارف، سلب و ایجاب، استطراد، تعطف، مماثله، اشاره، تلمیح، اقتباس، تجنیس، مطابقه، ارسال المثلین، ایهام و بسیاری دیگر از آیات قرآن مجید مثال آورده‌اند. شاعران و نویسندگان پارسی نیز از این صناعات در سرودن اشعار و نوشتن کتاب‌های خود استفاده کرده‌اند و بالچاپ از صناعات موجود در قرآن و حدیث نیز در این باب

الهام گرفته‌اند. اما کاربرد صناعات ویژه‌ای چون ارسال المثل، ارسال المثلین، اشاره، تلمیح، اقتباس، تمثیل و حل از بقیه نمایان‌تر است. شکل دیگر اثرپذیری عطار نیشابوری ادبی از قرآن، اثرپذیری تلمیحی است و تلمیح، آن است که ذهن شاعر و نویسنده، تنها تأثیری از آیه قرآنی یا حدیث نبوی پذیرفته باشد، نه اینکه آیات یا احادیث را عیناً از عربی به فارسی در آورده باشد. در اشعار ناصر خسرو قبادیانی علاوه بر تلمیحات قرآنی، تلمیحات سامی - عربی و یونانی یافت می‌شود. عطار نیشابوری و ناصرخسرو قبادیانی با تأثیرپذیری از قرآن اهدافی مانند «هشدار و انذار، تشویق و تهییج»، «استشهاد از- طریق مقایسه با بیان تفضیل»، «تفسیر خاص» و «بیان اعتقادات» را دنبال کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) کتاب

قرآن کریم

حافظ، شمس‌الدین محمد، دیوان حافظ: براساس نسخه دکتر قاسم غنی و محمد قزوینی به همراه وزن عروضی و تعبیر عارفانه، تهران: انتشارات آوای منجی، 1400.

حلبی، علی‌اصغر، تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی، چاپ نهم، تهران: انتشارات اساطیر، 1398.

خاقانی، بدیل‌بن علی، دیوان خاقانی شروانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نگاه، 1396.
دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: انتشارات تهران، 1377.
راستگو، محمد، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت، 1399.

سعدی، مصلح‌بن عبدالله، کلیات سعدی: شیخ اجل سعدی شیرازی، چاپ اول، تهران: انتشارات بدیهه، 1400.

عطار، محمدبن ابراهیم، الهی‌نامه عطار (فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری)، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن، 1387.

_____ مصیبت‌نامه عطار (فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری)، چاپ نهم، تهران: انتشارات سخن، 1399.

_____ منطق‌الطیر عطار (فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری)، چاپ نهم، تهران: انتشارات سخن، 1392.

محمدی، محمدحسین، فرهنگ تلمیحات شعر معاصر: اشارات اساطیری، داستانی، تاریخی، مذهبی و جغرافیایی در شعر معاصر، چاپ دوم، تهران: نشر میترا، 1385.

ناصرخسرو قبادیانی، دیوان اشعار، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1370.

_____، وجه دین، بی‌جا، بی‌تا.

نظامی، الیاس بن یوسف، مخزن الاسرار، چاپ بیستم، تهران: نشر قطره، 1399.

هاشمی، احمد، جواهرالبلاغه فی المعانی والبیان والبدیع، چاپ سوم، تهران: مؤسسه الصادق للطباعة والنشر، 1396.

ب) مقاله

یوسفی، محمدرضا، «چگونگی ورود قرآن و حدیث به شعر فارسی»، نشریه پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره 5، صص 116-97، 1387.

Comparison the Methods of affectiveness from Verses and Hadiths in persian Poems with Emphasis on Attar Neishabouri and Naser Khosrow Qobadian

Rahim Salehi¹, Masoud Pakdel Ph.D^{2*}, Mansoreh Tadayoni Ph.D³,
Sima Mansouri Ph.D⁴

Abstract

Atar Neishabouri, a poet of the 6th and 7th centuries of Hijri, and Naser

1. PhD student of Persian language and literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran

Email: rsalehi1356@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gachsaran Branch, Islamic Azad University, Gachsaran, Iran. (Author)

Email: masoudpakdel@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramerzomz Branch, Islamic Azad University, Ramerzomz, Iran.

Email: msh_tadayoni@yahoo.com

4. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramerzomz Branch, Islamic Azad University, Ramerzomz, Iran.

Email: simamansoori90@yahoo.com

Khosrow Qabadiani, a philosopher and poet of the 5th century of Hijri, borrowed from the Holy Quran and hadiths in their works. This influence of the Holy Quran can be found in their works in two structural (form) and content forms. In this research, which was carried out in a descriptive-analytical method, the methods and patterns of the structural and content influence of Attar Neishabouri and Naser Khosro Qabadiani from the Holy Quran were explained and the goals of this influence were investigated. The results of the research show that borrowing, interpretation, translation, and allusion are patterns of structural influence in the works of Attar Neishaburi. One of the important forms of Attar Neishabouri and Naser Khosro Qabadiani's literary effect of the Qur'an is allusion, and the allusion is that the poet's and writer's mind is only influenced by the Qur'anic verse or prophetic hadith, not that the verses or hadiths are directly translated from Arabic to Persian language. In addition to Quranic allusions, Semitic-Arabic and Greek allusions can be found in Nasser Khosrow Qabadiani's poems. Attar Neishabouri and Naser Khosro Qabadiani have pursued goals such as "warning and warning, encouragement and excitement", "testification through comparison with expression of preference", "specific interpretation" and "expression of beliefs" with the influence of the Quran.

Key words: Attar Neishabouri, Nasser Khosrow Qabadiani, verses of the Qur'an, hadiths.